info@payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز
پیام آشنا
شماره ۱۸۵۸
شنبه / ۲۲ خرداد / ۱۴۰۰
۱ / ذوالقعده / ۱۴۴۲
12 / June / 2021

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: باهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان، روبه‌روی ماه‌گستری
تلفن: ۲۲۵۵۲۳۸۸-۲۲۵۲۳۲۴۴-۰۲۶۲ فکس ۲۲۵۵۲۳۸۸
فکس اینترنتی پیام آشنا: ۰۲۱-۸۹۷۶۷۲۹
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۴۲/۴۶
چاپ: کارگر

کافه پیام

برای انعکاس نظرات و گلایه‌ها و پیشنهادات خود درباره مسائل البرز با پیام آشنا تماس بگیرید
۳۲۵۵۳۸۳۸
۳۲۵۴۱۴۹۵
۰۹۰۱۴۰۴۸۳۳۳

خبر

دستگیری ۸۰۰ تبهکار به کمک اپلیکیشن Anom

به گزارش پیام آشنا: به نقل از آیتی ایران، اداره تحقیقات فدرال آمریکا (FBI) با همکاری پلیس استرالیا و اروپا توانستند با کمک اپلیکیشن Anom، حدود ۸۰۰ خلافکار را دستگیر کنند. براساس بیانیه‌ای که در این خصوص منتشر شده، پلیس FBI در کنار نیروهای پلیس چند کشور دیگر، با نفوذ به اپلیکیشن Anom که تبهکاران از آن برای ارسال پیام‌های رمزنگاری‌شده میان همدیگر استفاده می‌کردند، توانستند ۱۲ هزار گوشی متعلق به آنها را زیر نظر بگیرند. در جریان این عملیات که از سال ۲۰۱۹ آغاز شد، بالغ بر ۲۷ میلیون پیام میان خلافکاران ردوبدل شد که در نهایت با رمزگشایی این پیام‌ها علاوه بر دستگیری صدها نفر، هشت تن کوکائین، ۲۲ تن حشیش، ۲۵۰ قبضه اسلحه گرم و ۴۸ میلیون دلار ارز معمولی و رمزارز کشف شد. طبق گفته ساموئل هیوز، از محققان دانشگاه جورج واشنگتن، اپلیکیشن Anom کار خود را از سال ۲۰۱۸ آغاز کرد، یعنی زمانی که پلیس، اپلیکیشن Phantom Secure را که تبهکاران از آن برای جرائم سازماندهی شده و قاچاق مواد مخدر استفاده می‌کردند، مسدود کرد. خلافکاران با کمک این اپلیکیشن‌ها پیام‌ها را به صورت رمزنگاری‌شده برای یکدیگر ارسال می‌کردند. در این گزارش آمده، با استفاده از اپلیکیشن مذکور، پلیس توانست تمام پیام‌های میان خلافکاران را مشاهده کند و در نتیجه به جزئیات دقیقی از معاملات مواد مخدر، پولشویی‌ها و حتی توطئه‌ها برای قتل افراد دست یابد. در بررسی‌های اولیه، بخش زیادی از کاربران اپلیکیشن Anom در استرالیا ساکن بودند، اما با گسترده شدن تحقیقات، مشخص شد که این خلافکاران در بیش از ۹۰ کشور دنیا حضور و با یکدیگر ارتباط داشتند. به گفته پلیس اروپا، این عملیات، گسترده‌ترین عملیات پلیس علیه جرائم سازمان یافته بود.

خانه ۴۴

امروز با حافظ

ندانم از چه سبب رنگ آشنایی نیست
سهی قدان سیه چشم ماه سیما را
چو با حبیب نشینی و باده پیمایی
به یاد دار محبان بادپیما را

خواندنی

گاهی میان مردم
در ازدحام شهر
غیر از تو هَر چه هست
فراموش می‌کنم

فریدون مشیری

افق کرج

اوقات شرعی فردا

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۴:۰۳	۰۵:۴۸	۱۳:۰۳	۲۰:۱۸	۲۰:۳۹

برگه

جامعه فرزانگی و سعادت می یابد که خو اندن، کار روزانه اش می باشد.

سقراط

تلنگر

راز سرزندگی روزنامه ۲۰۰ ساله

ماندگاری «گاردین» وقتی ماه پیش جشن ۲۰۰ سالگی این رسانه برگزار شد، برای کارکنانش اتفاق عجیبی نبود. اما برای اکثر مدیران کسب‌وکارهای بزرگ مساله شده که «چرا گاردین هنوز زنده است؟» سردبیر گاردین راز سرزندگی روزنامه ۲۰۰ ساله را «رعایت پنج اصل حرفه‌ای» می‌داند. این مجموعه به‌رغم چالش‌های مشترک با بسیاری از شرکت‌ها، تاکنون چهار انقلاب صنعتی را دیده است.

روزنامه گاردین گرچه قدیمی‌ترین روزنامه در حال انتشار جهان نیست اما قدمتی بیش از کشور آلمان دارد روزی که گاردین در دهی ۱۸۲۱ در منچستر متولد شد واقعه‌ای تاریخی در ۴۸۰۰ مایل آن طرف‌تر در جزیره سنت‌هلن در جنوب اقیانوس اطلس رخ داد. این واقعیت که هفته‌ها طول کشید تا خبر درگذشت ناپلئون در آن روز به لندن برسد نشان می‌دهد ارتباطات چگونه دگرگون شده و بیانگر آن است که گاردین چه تاریخی را پشت‌سر گذاشته است. چگونه یک کسب‌وکار کوچک متعلق به عصر بخار تا امروز دوام آورده است؟

داستان گاردین به دوران انقلاب صنعتی برمی‌گردد، ایامی که نیروی بخار پدیده‌ای نوظهور بود. فقرا پیاده و ثروتمندان بر اسب‌ها سوار بودند. روزی که گاردین نخستین شماره خود را منتشر کرد، چارلز دیکنز ۹ ساله بود و هنوز نیم قرن تا برگزاری نخستین فینال جام حذفی بریتانیا زمان باقی مانده بود. تحریریه این روزنامه، دو جنگ جهانی، یک رکود بزرگ، ظهور و سقوط بریتانیا به‌عنوان موطن صنعت و عصر سفر به فضا را به چشم دیده است. در حالی که بسیاری از کمپانی‌هایی که در آن روزها متولد شدند اکنون نامی از آنان وجود ندارد اما گاردین شاهد زنده انقلاب صنعتی چهارم و پیشرفت‌های حوزه هوش مصنوعی و بیوتکنولوژی است. در فاصله سال‌های ۱۹۱۲ تا ۱۹۹۵ بیش از یک‌چهارم از شرکت‌های بزرگ جهان ورشکسته شدند و در دوران حاضر هر ساله ۱۰ درصد از شرکت‌های آمریکایی از دور خارج می‌شوند. با وجود این گاردین ۲۰۰ سال چاپخانه‌های خود را سرپا نگه داشته و سرد و گرم روزگار آن را از نکاپو نینداخته است.

سال ۱۸۲۱ شاید مناسب‌ترین زمان برای راه‌اندازی یک روزنامه نبود: اقتصاد بریتانیا عمدتا به کشاورزی وابسته بود و جنگ‌های ناپلئون خسارتی شدید به کشاورزی وارد کرده بود. در این دوران دستمزد کارگران کارخانه‌های پنبه‌سازی بهشدت کم و پیدا کردن کار برای سربازانی که از جنگ واترلو برگشته بودند، دشوار بود. پیدا بود که به قول آلن راسبریجر، سردبیر پیشین گاردین، در آن ایام هیچ مدل تجاری خوبی برای یک روزنامه‌نگاری جدی و پرسش‌گرایانه وجود نداشت. راسبریجر تاکید می‌کند که گاردین همواره در شرایطی منحصربه‌فرد راه خود را رفته است. «زمانی که همه لندن بودند ما در منچستر بودیم و زمانی که همه راست‌گرا بودند ما چپ بودیم.» سردبیر فعلی گاردین- کاترین وینر، که نخستین زنی است که سکان هدایت این روزنامه را در دست گرفته بر این باور است که «گاردین زنده است چراکه ما کاملا از جایی که در آن قرار داریم، از هدف خود و اینکه برای چه کسانی کار می‌کنیم، آگاهیم.»

کاترین وینر تاکید می‌کند «گاردین قادر به اتخاذ تصمیم‌های بلندمدت است. به‌عنوان مثال انقلاب دیجیتال را توامان به شکل فرصت و تهدید می‌نگرد و از آن استقبال می‌کند. گاردین سازمانی است که به روزنامه‌نگاری برای خوانندگان خودمتعهد است نه به روزنامه‌نگاری برای چاپ یک روزنامه. این دو تفاوت بسیاری دارند.» بسیاری بر این باورند که طول عمر با سودآوری ارتباط چندانی ندارد و شاید گاردین مثال خوبی برای این گزاره باشد. چرا که همواره در آستانه بسته شدن است. نیم قرن پیش در یادداشت ۱۵۰ سالگی گاردین، سردبیر وقت گاردین از دشواری‌های پیش روی این تحریریه برای انتقال از منچستر به لندن نوشت. انقلاب دیجیتال نیز بازار روزنامه‌ها را کساد کرد اما گاردین با انطباق خود با جهان، اکنون بیش از ۶۰ درصد درآمد خود را از نسخه‌های آنلاین به‌دست می‌آورد و با ثروتی یک میلیارد پوندی به کار خود ادامه می‌دهد.

مترجم: زهره اکرمی

بریده جراید

هر فرهنگی شایسته احترام است؟

اعتماد: گفته می‌شود که ما وظیفه داریم به همه فرهنگ‌ها به‌طور مساوی احترام بگذاریم. این یک دفاع غلط از موضوعی مهم است. درست است که ما وظیفه احترام به اشخاص را داریم و این احترام علاوه بر خیلی چیزهای دیگر شامل احترام به استقلال آنها و حق‌شان در مدیریت زندگی‌شان بر وفق مرامشان هم هست اما احترام مانع نقد و ارزیابی انتخاب‌های آنها و روش زندگی‌شان نمی‌شود. روشن است که فضلوت ما درباره زندگی آنها باید براساس فهم همدلانه دنیای تفکر آنها از درون باشد و گرنه ارزیابی درستی نخواهد بود و عادلانه نیست. بنابراین اگر بعد از ملاحظات دقیق و شنیدن دفاعیات آنان متوجه بشویم که انتخابشان منحرف، ظالمانه و غیر قابل قبول است هیچ وظیفه‌ای در احترام نداریم و حتی وظیفه داریم احترام نکنیم. حق انتخاب آنها به جای خود محترم است ولی این احترام برای طریقه اجرایی و اعمال انتخاب‌شان نیست. جدایی میان حق انتخاب آنها و اعمال حق انتخاب هم مطلق نیست و در مواردی که اعمال حق انتخاب حاوی ظلم سازمان‌یافته فاحشی نسبت به دیگران باشد اصلا در اینکه فرد از اعمال انتخاب خود لذت می‌برد هم شک می‌کنیم.

بد نیست که سوال را بدین صورت مطرح کنیم که رفتار مناسب با فرهنگ‌های دیگر چیست. پاسخ این است که هر فرهنگ دو بعد دارد: یکی جامعه متعهد به فرهنگ و دوم محتوا و ویژگی آن فرهنگ. بنابراین احترام به فرهنگ شامل هم احترام به حق جامعه نسبت به فرهنگ خود و هم محتوای آن فرهنگ می‌شود. این دو احترام ولی دارای اساس یکسانی نیست. ما به دلایل مختلفی به حق جامعه نسبت به فرهنگ خود احترام می‌گذاریم. مثلا به دلیل اینکه انسان باید در انتخاب روش زندگی آزاد باشد، اینکه فرهنگ هر جامعه به تاریخ و هویت آنها وابسته است و برای‌شان خیلی اهمیت دارد یا اینکه همه جوامع حق یکسانی نسبت به فرهنگ خود دارند و تمیزی بی‌اساس است. اما برای محتوای فرهنگ احترام ما براساس ارزیابی محتوا و زندگی مناسبی است که فرهنگ برای اعضایش ممکن می‌سازد. چون هر فرهنگی به زندگی انسان معنا و ثبات می‌دهد و اعضایش را به شکل یک جامعه به هم پیوند می‌دهد و انرژی خلاق و غیره تولید می‌کند شایسته احترام است. اما اگر بعد از مطالعه دقیق و همدلانه به این نتیجه برسیم که در کل کیفیت زندگی که برای اعضایش ارایه می‌کند چندان دلپذیر نیست نمی‌توانیم با آن موافق بوده و احترامی مساوی فرهنگ دیگری برایش قائل باشیم که در این جنبه‌ها بهتر است. اگرچه همه فرهنگ‌ها باارزشند و شایسته احترام اولیه هستند ولی همه ارزش یکسانی ندارند و شایسته احترام مساوی نیستند. وقتی درباره فرهنگ‌های دیگر قضاوت می‌کنیم همان‌طور که قبلا گفته شد باید دقت کنیم مهر تصورات خود را بر آنها نزنیم، اگرچه ما در ارزیابی فرهنگ‌ها باید بر ابواع ارزش‌های همگانی مثلا بر کرامت انسان مصر باشیم ولی آن را با فردگرایی لیبرالی مقایسه و اشتباه نکنیم. همین‌طور به‌طور کلی اگر یک جامعه فرهنگی ارزش و کرامت انسان را احترام می‌گذارد، در محدوده منابعش حافظ منافع بشر است. تهدیدی برای دیگران خارج از فرهنگش نیست. از همگرایی اکثریت اعضایش برخوردار است و از این رو شرایط پایه‌ای زندگی خوبی را برای آنها فراهم می‌کند شایسته احترام است و باید به حال خودش واگذاشته شود. وقتی با فرهنگ دیگری روبه‌رو می‌شویم، باید به حق مساوی جامعه مربوط به آن در گرامیداشت و زندگی بر اساس آن فرهنگ احترام بگذاریم و در عین حال باید محتوای آن را ارزیابی و قضاوت کنیم اینجا جایی است که یکنگاتگران و فرهنگ‌گرا به خطا می‌روند. یکنگاتگران تصور می‌کنند که چون برخی فرهنگ‌ها بهتر هستند حق دارند که خود را بر دیگر فرهنگ‌ها تحمیل کنند. یعنی با تمرکز بر محتوای فرهنگ، اصل احترام اولیه به فرهنگ‌ها و حق جامعه به پاسداشت فرهنگ خود را نادیده گرفته‌اند. در همه این موارد یک نکته کلی را باید درنظر داشت. هنوز بخش‌هایی از جامعه غربی مثل مسیونرها تصور می‌کنند که دیگر جوامع نمی‌توانند از درون اصلاح شوند و نیاز به هدایت و رهبری دارند. این تصور اشتباه بیشتر منشأ استعمار و نواستعمار و دیگر انواع خشونت است. طی دو هزار سال، کشتار میلیون‌ها یهودی و بیشتر از نیمی از این کشتار به خاطر نژادپرستی در غرب، اتفاق افتاد. اگر جوامع غربی توانستند از طریق انتقاد از خود و بدون کمک خارجی اصلاح شوند، دلیلی ندارد که مردمان دیگر نتوانند مگر اینکه فرض کنیم که نسل‌های دیگر بشر از نوع فروتری هستند!

بیخو پارخ / ترجمه و انتخاب: دکتر منیرسادات مادرشاهی

پشتش را به تمام ارزوها کرد و خیال ها را بغل کرد ... محمد رضا شکاری / رفسنجان

عکاس: حامد نصرآبادیان